



۱: موزه میراث روستایی گیلان، زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.  
فکر تأسیس موزه میراث روستایی گیلان در پارک جنگلی سراوان پس از زمین لرزه خرداد ۱۳۶۹ گیلان که روند تخریب بناهای سنتی را شدت بخشید، شکل گرفت.

# مکان و معماری

## ارزیابی رویکرد موزه‌های به معماری روستایی

رویکرد موزه‌ای، فرهنگ را در چارچوب موزه، مانند نمایشی می‌بیند که آن را همچون آثار و اشیاء تاریخی فقط در پشت ویترین جستجو می‌کند. ارمغان رویکرد موزه‌ای، نگاه نمایشی به فرهنگ، به جای پویایی و زاینندگی آن است. از نمونه‌های این رویکرد، موزه‌های مردم‌شناسی است که با تغییر کاربری ابنیه تاریخی شهرها، برداشته‌های ابتدایی و تصنعی از فرهنگ شهرها را ارائه می‌کنند. رویکرد مذکور تنها به شهرها بسنده نکرده و روستاها را نیز مورد توجه قرار داده است. این بار اشیاء تاریخی جای خود را به ابنیه تاریخی روستا داده و از مکان اصلی خود به موزه میراث روستایی انتقال یافته‌اند. اگر نتایج رویکرد مذکور در شهرها باعث تغییر کاربری تصنعی ابنیه تاریخی و نمایشی ضعیف از فرهنگ شهرها بود، حال با ادامه روند انتقال ابنیه تاریخی، روستاهای یک استان، شاهد از دست دادن هویت فرهنگی خود نیز هستند. جستار حاضر با معرفی موزه میراث روستایی گیلان، در پی نقد و ریشه‌یابی فرایند جابه‌جایی ابنیه تاریخی روستایی گیلان و نتایج حاصله از آن است.



**احسان دیزدانی**  
کارشناس ارشد  
مرمت و احیای بناها  
و بافت‌های تاریخی

ehsanzdani@yahoo.com

واژگان کلیدی: رویکرد موزه‌ای، معماری، فرهنگ، مکان، ابنیه تاریخی، گیلان.

جهت شناسایی بناها به روستاها اعزام می‌شوند، تا همه گونه‌های معماری حوزه‌های یاد شده در موزه، دوباره چینی شوند. بناهای دارای ارزش برای انتقال به موزه شناسایی و مطالعه می‌شوند. این مطالعات شامل مردم‌شناسی و معماری است. پس از تکمیل مطالعات، بنا برداشت معماری و پلاک‌گذاری می‌شود تا دوباره‌سازی آن میسر

فرهنگی - معماری روستاهای گیلان انجام شد، ۹ حوزه فرهنگی - معماری در گیلان شناسایی شده‌اند. هر یک از این حوزه‌ها با بازسازی یک روستا در محل موزه معرفی می‌شوند. بخش معماری این موزه، مجموعه‌ای است که میانگین قدمت بناهای آن به ۱۵۰ سال می‌رسد. اساس کار انتقال بناها به این ترتیب است که ابتدا، گروهی از کارشناسان

موزه میراث روستایی گیلان در زمینی به مساحت حدود ۲۶۰ هکتار، در پارک جنگلی سراوان، واقع در ۱۸ کیلومتر جاده رشت - تهران در دست اجراست (تصویر ۱). فکر تأسیس موزه، پس از زمین لرزه خرداد ۱۳۶۹ گیلان که روند تخریب بناهای سنتی را شدت بخشید، شکل گرفت. بر پایه مطالعاتی که با هدف شناسایی ویژگی‌های



۲: مراحل جداسازی خانه رفیعی واقع در روستای رودبنه شهرستان لاهیجان و انتقال آن به موزه روستایی گیلان، مأخذ: پویا میروسی، ۱۳۸۴.

چوب به عنوان ساختمانی غالب معماری روستایی گیلان امکان جداسازی و سرهم‌چینی مجدد بناها را فراهم آورده و ساختمانی که قابلیت جابه‌جایی را نداشته باشند همانند شکل اولیه بازسازی می‌شوند.

در معماری این موزه میراث روستایی گیلان، پتانسیل نمایش زندگی روستایی وجود دارد به نحوی که شکل معماری بناها و فضاهای مربوطه بیانگر شکل زندگی روستایی است. به عبارت دیگر، این بناها، فرهنگ روستایی را به مخاطبین منتقل می‌نماید. البته باید در نظر داشت که فرهنگ در خاستگاه اصلی برقرار بوده و با انتقال صورت آن نیز در معرض خطر فراموشی است.

این ابنیه، در بستر شکل‌گیری‌شان دارای تاریخ و هویت مربوط به خود بوده‌اند که شاید هر یک از آنها باعث مباحثات مردم یک روستا یا منطقه باشند. این بناها جزئی از خاطرات روستاییان یا مردمی‌اند که آن را ایجاد و با آن زندگی کرده‌اند و قسمتی از ماهیت وجودی آنها هستند. انتقال بناها برای روستاییان، پاکسازی هویت و فرهنگ حقیقی روستایی است. مکان جدید برای معماری منتقل شده دارای ماهیتی تصنعی است. اصالت مکان، رکن فراموش شده در موزه میراث روستایی گیلان است و نتایج این پاکسازی، از بین بردن خاطرات، نابودی پشته‌ها، انگیزه ماندن‌ها و دل‌بستگی‌ها به فضای روستایی است. از این رو انتقال ابنیه، نفی مکان در معماری روستایی است و پیامدش، فراموشی، نابودی فرهنگ و زاینده‌گی فرهنگی روستایی است.

شکل‌گیری یا خاستگاه ابنیه تاریخی انتقال‌یافته و هویت مکانی آنها مطرح می‌شود.

### ■ ارتباط بین معماری، فرهنگ و مکان (روستا)

معماری از صور فرهنگ است و فرهنگ، معنا و محتوای آن است، چنانچه محتوا شکل‌دهنده صورت است و صورت، تماد و نشانه محتوا است. مکان، بستر شکل‌گیری فرهنگ و معماری است؛ محدوده زندگی انسان‌هایی است که در طی زمان، فرهنگ و معماری تولید کرده و بر غنای آن می‌افزایند. بنیان به وجود آمدن فرهنگ و معماری در مکان زندگی انسانهاست (شکل ۱). اگرچه صورت برای محتوا قابل تولید است، اما توان ایجاد محتوا را ندارد؛ همان‌طور که معماری برای فرهنگ قابل بازیابی است ولی معماری به تنهایی توان ایجاد دوباره فرهنگ را ندارد. نفی مکان، نیز انقطاع در تداوم فرهنگی و معماری است.



شکل ۱- ارتباط بین مکان، فرهنگ و معماری، مأخذ: نگارنده

شود. پس از واچینی و انتقال مصالح به موزه، به نام اهداکننده یا فروشنده بنا در محل طراحی شده دوباره چینی می‌شود (تصویر ۲).

موزه میراث روستایی استان گیلان بیانگر میراث روستایی با توجه به فضای زندگی روستاییان است. در موزه مذکور کل استان به حوزه‌های فرهنگی و معماری تقسیم‌بندی شده و هر ناحیه با نمونه‌هایی از خانه‌ها، فضاها و لوازم وابسته به زندگی روستایی معرفی شده است. بناهایی که در این موزه قرار دارند از نمونه‌های نادر برجای مانده از معماری روستایی گیلان هستند که از مکان اصلی خود واقع در روستاهای استان به آگوموزه میراث روستایی انتقال داده شده یا در حال انتقال‌اند (تصویر ۳).

چوب به عنوان ساختمانی غالب معماری روستایی گیلان امکان جداسازی و سرهم‌چینی مجدد بناها را فراهم آورده و ساختمانی که قابلیت جابه‌جایی را نداشته باشند همانند شکل اولیه بازسازی می‌شوند. مخاطبین با بازدید از این محل ضمن بهره‌گیری از فضای طبیعی جنگل سراوان با منتخب معماری روستایی کل استان گیلان نیز آشنا می‌شوند. در نگاه اول هم‌نشینی بناهای انتقال یافته با ویژگی تنوع معماری غنی و با شکوه روستایی گیلان، فضایی جذاب و منحصر به فرد ایجاد نموده است لیکن با تعمق بیشتر، مسائلی در رابطه با وضعیت آینده بستر

## ■ جابه‌جایی ابنیه تاریخی از دیدگاه قوانین داخلی و بین‌المللی

ایران جزء کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و جهانی است (صمدی‌رندی، ۱۳۷۶ : ۷۱). اصول «منشور ونیز» اساس فعالیت‌های علمی و قانونی در کنوانسیون میراث جهانی است (یونسکو، ۱۳۸۸ : ۸). ماده هفتم منشور ونیز به طور مستقیم درباره انتقال ابنیه تاریخی است. بنا از محیط و موقعیتی که در آن ساخته شده است و از مراحل تاریخی که آن را به وجود آورده است، جدا نیست. جابه‌جا نمودن یک قسمت و یا کل ساختمان تاریخی بدین ترتیب هرگز جایز نبوده مگر در موردی که برای حفظ آن احتیاج به چنین عملی باشد و یا در مواردی که یک علت مهم ملی و یا بین‌المللی چنین جابه‌جایی را ایجاب نماید (صمدی‌رندی، ۱۳۷۶ : ۱۷۷).

خطر نابودی ابنیه در اثر عوامل طبیعی به صورت دفعی و دائمی همواره بناهای تاریخی را تهدید می‌نماید. همان طور که پیشتر گفته شد، ایده اصلی تأسیس موزه میراث روستایی گیلان نیز در پی زلزله سال ۱۳۶۹ گیلان شکل گرفت. زلزله یکی از شایع‌ترین عوامل تخریب ابنیه تاریخی بوده و مقاومت‌سازی راه حل آن است و انتقال ابنیه روستایی کمکی به حل مشکل زلزله نمی‌کند.

شاید نگرانی برای سرنوشت و حفظ ابنیه تاریخی روستایی گیلان باعث جابه‌جا کردن آنها بوده است. از مهم‌ترین عوامل نابودی ابنیه تاریخی در کشورهای جهان سوم، عوامل انسانی، به ویژه مدیریت غلط است. داستان میدان نقش جهان و برج جهان نما، تخریب حمام صفوی خسرو آقا، در اصفهان و یا تخریب قسمتی از حصار تاریخی یزد، نمونه‌هایی از آن است. در حالی که شهرهای معروف و مورد توجه حوزه میراث فرهنگی کشور، مانند اصفهان و یزد مورد تخریب و حذف آثار قرار می‌گیرند، از این رو احساس خطر نابودی ابنیه تاریخی روستایی گیلان امری دور از ذهن نبوده است. این در حالی است که در بسیاری از روستاهای کشور آثار و ابنیه تاریخی ارزشمند همراه با روستاییان به زندگی خویش ادامه می‌دهند. در برخی روستاها که مدیریت صحیح اعمال شده است نه تنها ابنیه تاریخی و بافت روستایی حفظ شده بلکه استفاده از همین پتانسیل، جایگاه گردشگری ملی و بین‌المللی به روستاهای مذکور داده است. روستاهایی مانند : ماسوله، زیارت، ابیانه، فهرج، نیاسر، اورامانات و... پس نه تنها امکان حفظ ابنیه تاریخی در روستاها وجود دارد؛ بلکه پتانسیل ویژه‌ای را برای توسعه پایدار روستایی نیز ایجاد می‌کند.

بنابراین جابه‌جایی بناهای تاریخی روستاهای گیلان، از دیدگاه قوانین بین‌المللی و داخلی جایز نیست. جالب اینجاست که سازمان مسئول بر نظارت و اجرای قوانین مذکور، خود بانی این موزه است.



۳ : خانه پر مهر، تاریخ ساخت ۱۲۱۴ خورشیدی، انتقال به موزه ۱۳۸۵ خورشیدی، مأخذ : نکاتده، ۱۳۸۹. بناهای موزه از نمونه‌های نادر برجای مانده از معماری روستایی گیلان هستند که از مکان اصلی خود واقع در روستاهای استان به اکوموزه میراث روستایی انتقال داده شده یا درحال انتقال اند. بناهای منتقل شده به این موزه تاریخی بوده و قدمت برخی از آنها به بیش از یک قرن می‌رسد.

ارمغان رویکرد موزه‌ای، مرده‌بینی و میراث‌سازی از فرهنگ است که رویکردش به فرهنگ و معماری روستایی نیز، باعث انتقال ابنیه تاریخی روستاهای گیلان بوده و از دستاوردهای آن می‌توان به شیء‌شدگی بناهای تاریخی روستایی، جمع‌آوری و نمایش آن در موضعی جدید به نام موزه میراث روستایی اشاره نمود. اصالت مکان، رکن فراموش‌شده در این موزه است که از بین بردن خاطرات، نابودی پشته‌ها انگیزه ماندن‌ها و دل‌بستگی‌ها به فضای روستایی نتیجه این پاکسازی است.

### ■ رویکرد موزه‌ای

گذر زمان در مکان زندگی انسان‌ها باعث توسعه و غنای فرهنگی و معماری است. میراث فرهنگی، ثروت‌هایی است بر جای مانده از گذشتگان که پویایی و تداوم آن بر غنای آن می‌افزاید. حال در طی این گذار از ابتدا تا به امروز اگر برهه‌ای انتخاب و معرفی شود، مسلماً ارزش‌هایی را بیان خواهد نمود. بیان ارزش‌ها در جهات گوناگون با تعدد و تنوع حوزه‌های میراثی، نقش بارزی در تداوم فرهنگی دارد. تأسیس موزه‌ها یکی از راهکارهای معرفی میراث فرهنگی بوده است. با نگاهی کلی به موزه میراث روستایی گیلان، شاخصه اصلی آن معرفی معماری روستایی است. اساس معرفی و

نمایش میراث روستایی در این محل، معماری روستایی به ویژه خانه‌ها و فضاهای وابسته به آن است؛ به دیگر سخن نوعی موزه معماری روستایی با نمونه‌هایی واقعی است. بیان ارزش‌های میراث روستایی گیلان در موزه میراث روستایی، بیشتر توسط بناهای انتقال یافته است به عبارتی برای معرفی میراث روستایی گیلان، خاستگاه اصلی این بناها مورد پاکسازی ابنیه تاریخی قرار گرفته است. موزه‌ای دیدن فرهنگ و استفاده ابزاری از ابنیه تاریخی روستایی به منظور نمایش آن، رویکرد موزه‌ای است. این رویکرد اهمیتی برای فرهنگ پویایی که در روستاها و ابنیه تاریخی آن در جریان بوده است قائل نیست. ارمغان رویکرد موزه‌ای، مرده‌بینی و سپس میراث‌سازی از فرهنگ

است. گسترش رویکرد موزه‌ای به فرهنگ توسط بانیان میراث فرهنگی، از ویژگی‌های مخاطره‌آمیز آن است. در این رویکرد، نمایش فرهنگ در موزه مهم بوده و در موزه میراث روستایی گیلان، ابنیه تاریخی نوعی اشیاء‌نمایشی موزه هستند (جدول ۱). کارمندان موزه نیز با پوشیدن لباس محلی در ساعات کار موزه نقش روستاییان را بازی می‌کنند، به نظر می‌رسد جذابیت و درک فرهنگ روستایی، برای مخاطبین، با روستاییانی که به طور حقیقی با لباس محلی خود در روستاها مشغول زندگی هستند تا کارمندان موزه روستایی، حتی به منظور نمایش فرهنگ، بسیار متفاوت است. به دیگر سخن اگر اصل هم در نمایش فرهنگی باشد تا جریان فرهنگ، باز هم مکان‌های واقعی ارجحیت دارند (تصویر ۴).

مکان	رویکرد	وضع موجود	پیمایدها	پیشنهادات و راه حل
روستاها	موزه‌ای	- فقدان ابنیه تاریخی روستاها - تداوم روند انتقال به موزه	- تهدید پاکسازی روستاهای کل استان - انقطاع در فرهنگ روستایی - فراموشی و عدم زاینده‌گی فرهنگی	- جلوگیری از تداوم انتقال ابنیه تاریخی به موزه - بازگشت ابنیه تاریخی به روستاها
موزه میراث روستایی گیلان	موزه‌ای	- ابنیه تاریخی روستایی انتقال یافته	- نمایش تنوع معماری روستایی - نمایش فرهنگ به جای تداوم فرهنگ روستایی	- بازسازی ابنیه تاریخی در موزه - ایجاد ارتباط معنایی و واقعی بین موزه و روستا

جدول ۱- بررسی و تحلیل رویکرد موزه‌ای در روستاها و موزه میراث روستایی. مأخذ: نگارنده

### ■ نتیجه‌گیری

ابنیه تاریخی منتقل شده در موزه، نمایشگاهی از شکل زندگی روستایی بوده و ماهیتی تصنعی دارد. اصالت مکان، اصلی است که با انتقال ابنیه تاریخی، انتقال نمی‌یابد از این رو ابنیه انتقالی در موزه دارای هویت جعلی شده و جای خالی آنها، انقطاع فرهنگی در روستاها را به دنبال خواهد داشت. بر اساس قانون، انتقال بناهای تاریخی از مکان اصلی خود مردود بوده و وجود عوامل تهدیدکننده مانند زلزله نیز از توجیه علمی برخوردار نیست. حفظ ارزش‌های فرهنگی روستاهای گیلان منوط به جلوگیری از انتقال ابنیه تاریخی آنهاست و امکان بهره‌برداری اقتصادی نیز مانند ایجاد و توسعه گردشگری روستایی در روستاهای صاحب ابنیه وجود دارد. در موزه میراث روستایی صحبت از نمایش فرهنگ است ولی در روستاهای صاحب ابنیه تاریخی، خود فرهنگ جاری است. ادامه این اقدام باعث جلوگیری از تداوم فرهنگی در روستاهای صاحب ابنیه شده و حجم وسیع این انتقال، باعث پاکسازی هویت روستاهای گیلان خواهد شد. به نظر می‌رسد موزه میراث روستایی موفق به نمایش زندگی روستایی با محوریت شکل ابنیه تاریخی معماری روستایی شده است، اگرچه متولیان آن می‌توانستند با هزینه و رنج کمتری کالبد ابنیه تاریخی را در موزه بازسازی کرده و علاقه‌مندان را به مکان اصلی ابنیه یعنی روستاهای گیلان ارجاع دهند که در این صورت هم موزه روستایی داشتند و هم روستاهای گیلان ابنیه تاریخی خود را از دست نمی‌دادند، همچنین ارتباطی معنایی و واقعی بین روستاها و موزه روستایی برقرار می‌شد.

پی‌نوشت

۱. www.gecomuseum.com

منابع

- صمدی رندی، بونس (۱۳۷۶) مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- میریوسفی، پویا (۱۳۸۴) واجینی خانه رقیعی‌ها در رودبته، رشت، کندوج، سال اول، شماره اول، بهار.
- راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی (۱۳۸۸) ترجمه: دکتر فرزین فرادانش، دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران.

